آرامگاه‌ها و قبور کوه خواجه سیستان

رضا مهرآفرین [۱]، داود صارمی نائینی [۲]، مرجان شهرکی فرخنده [۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۲۸

چکیده:

کوه خواجه سیستان به عنوان تنها برجستگی دشت سیستان همواره از تقدس و جایگاه ویژه‌ای در ادیان مختلف از جمله زرتشتی، مسیحی و اسلام و هم چنین در فرهنگ بومی مردم منطقه برخوردار بوده است. این ویژگیها باعث گردیده که بر خلاف دسترسی دشوار به آن به دلیل وجود دریاچه هامون در پیرامون آن، همواره در ادوار مختلف زمانی مورد سکونت گروهها و جماعات انسانی قرار گیرد یا از آن به عنوان یک مکان مقدس برای تدفین و زیارتگاه استفاده شود.

اهمیت این محل با توجه به آنچه ذکر گردید، نیاز به بررسی و تحقیق در این زمینه را کاملاً ضروری می‌سازد. خصوصاً که هیچ گونه پژوهشی تاکنون بر روی قبور و آرامگاه‌های این محل صورت نگرفته و از سوی دیگر کوه خواجه فقط از نظر کاخ و آتشکده‌ی آن که متعلق به دوره‌ی پیش از اسلام می‌باشد، در باستان‌شناسی ایران شناخته شده است. از این رو طی بررسی میدانی و پیمایشی که در این محل صورت گرفت، تعداد کثیری قبر و آرامگاه در سطح و دامنه‌های آن شناسایی گردید که همه متعلق به دوره‌ی اسلامی می‌باشند.

آرامگاه‌های کوه خواجه به دو دسته‌ی تخریبی و سالم تقسیم می‌شوند. مقابر موجود بر روی کوه نیز از لحاظ ساختاری و مصالح به سه دسته تقسیم می گردند که عبارتند از: پشته‌های سنگی نامنظم، گورهای سنگ چین منظم و گورهای خشتی. شواهد باستان‌شناسی حاکی از آن است که در دوره‌ی اسلامی میانه و متاخر، مسلمانان از این کوه و دامنه‌های آن با اهداف مختلف استفاده کرده‌اند.

واژگان کلیدی: سیستان، کوه خواجه، تدفین، قبور، آرامگاه

۱ نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه مازندران . reza.mehrafarin@gmail.com
۲ (استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان)
۳(دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان)

مقدمه:

اوشـــیدرن نام کوهی اســـت کـــه در بیـــن پدیدههای جغرافیایـــی (رودها، کوههـــا...) و حتی ســـرزمینها، برای نخستین بار در اوســـتا آمده اســـت. چنانکه نام البرز با آن شـــکوه و اهمیتی کـــه در دیـــن مزدیســـنا دارد، حداقل هفت بار پس از نام اوشـــیدرن در اوستا مشـــاهده میشود (مهرآفرین،۱۳۹۱: ۳۸). اوشـــیدم، اوشیدرنه نام اوستایی کوه خواجه سیســـتان است (شکل۱). اســـتاد پورداوود در بیان معنی اوشـــیدرن عقیده دارد که جزء اول اوشیدرن از ماده کلمهی اوشه میباشـــد که به معنی سپیدهدم و بامداد اســـت. احتمالاً مدت زمانی که زرتشـــت در سیستان بسر برده، قسمتهایی از اوســـتا را بر روی کوه اوشیدم از اورمزد دریافت کرده است (موسوی حاجی، مهرآفرین، ۱۳۸۸ :۸). این کوه یکی از ۲۲۴۴ کوهی میباشـــد که در یســـنا از آن نام برده شده و جنبه مقدسی پیدا کرده است؛ زیرا سوشیانا (سوشیانس) که در آیین مزدیسنا حکم ناجی را دارد، از آن جا ظهور میکند. جشنهای نوروز کوه خواجه که هر ساله در این مکان برگزار می شود، شـــاید ریشه در زمانهای کهنی داشته باشد که زرتشـــتیان در انتظار سوشیانس در اطراف این کوه جمع میشدهاند (سیدســـجادی، ۱۳۸۲: ۵۲). کوه خواجه در میان مســـیحیان نیز دارای احترام خاص است. در روایات مسیحی آمده است که ســـه مغ از مشرق زمین با دلالت ســـتارهای بـــه بیتاللحم (محـــل زایش حضرت عیسی مسیح) رسیدند. ظاهراً این روایت مطابق با پیش-بینی زرتشتیان در مورد سوشـــیانس میباشد که در روایات مسیحی، حضرت عیســـی به جای او نشسته است (همان، ۵۳). این کوه در نزد مســـلمانان نیز دارای تقدس ویژهای اســـت. به دلیل وجود امامزاده خواجه مهـــدی و مقبرهی پیرگندم بریـــان در بالای این کوه هر ســـاله عده زیادی از مسلمانان و شیعیان منطقه بســـوی آن روانه میشوند (بنی جمالی، ۱۳۸۷: ۲۱).

بنابراین عجیب نیســـت که در کوه خواجه آثار فرهنگی چند دوره متوالی مشـــاهده میگردد. ذکر ایـــن نکته نیز در مقدمه الزامی اســـت که تا زمـــان یک حفـــاری منظم و سیســـتماتیک بر روی قبور و آرامگاههای محل، هرگونه اظهار نظر در بارهی کاربـــری و گاهنگاری آنها به صورت کاملاً نســـبی اســـت و فقط بر اســـاس مطالعات سبک-شناســـی، منابع مکتوب و روایات محلی صورت میگیرد. بنای آرامگاههای کوه خواجه که اکثراً نیمه خرابه اســـت همه از یک قاعدهی کلی، منتها بـــا تفاوتهایی در جزئیات پیروی میکنند. در مورد تدفین و شکل ساختاری قبور هم نظرات و تحلیلهای متفاوتی ارائه شده است. در این نوشتار، اطلاعات جمعآوری شده از خصوصیات و ویژگیهای قبور با اسناد و مدارک کتابخانهای مطابقت داده شد و سپس با رهیافت تاریخی نتایجی حاصل گردید که در پی میآید.

پیشینه مطالعات باســـتان شناختی کوه خواجه سیستان

اولین بار این کوه توســـط اورل اشـــتاین در سال ۱۹۱۵ میلادی مورد بازدید قرار گرفت و در ســـال ۱۹۱۶ میلادی گزارش مقدماتی و در سال ۱۹۲۸ میلادی گزارش کاملی از آن را ارائه داد. ارنســـت هرتسفلد در ســـالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۹ میـــلادی ارگ اصلی (قلعه کافـــرون) کوه خواجه را مورد بررســـی و حفاری قرار داد. یک هیئـــت ایتالیایی به سرپرستی جورجیو گولینی در ســـال ۱۹۶۱ میلادی از این محل بازدیـــد کرد و نتیجه کار خود را در ســـال ۱۹۶۴ در کتابـــی تحت عنـــوان کـــوه خواجه به چاپ رســـاند (Gullini, ۱۹۶۴). خانم کاوامی نیـــز مطالعات جدیدی را بر اساس گزارشهای هرتسفلد و اشتاین بر روی نقاشی-های بدســـت آمده از کوه خواجه انجام داد (kawami, ۱۹۸۷:۲۳-۲۵). بعد از پیروزی انقلاب یک هیأت ایرانی به سرپرستی سید محمود موسوی در سه فصل متوالی ۷۲-۱۳۷۰ ه. ش و هر ســـال به مدت یک ماه که بیشتر با هدف آموزش دانشجویان رشته باســـتان شناسی مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی بود؛ در کـــوه خواجه انجام پذیرفت و نتایج این حفاریها فقط در قالب یک مقاله با عنوان یادمان خشتی کوه خواجه زابل منتشـــر گردیده است (موسوی، ۱۳۷۴: ۸۶-۸۹). در ســـال ۱۳۷۶ سیدسجادی عملیات بررســـی و گمانهزنی در کوه خواجه را به مدت یک فصل انجام داد (سیدسجادی، ۱۳۸۶: ۸۳). ســـرور غنیمتی که رساله دکتری خود را در مورد بنای کاخ کوه خواجه به رشته تحریر درآورده، بر اساس آزمایش کربن ۱۴، قلعه کافرون را متعلق به ۲۴۰_+۵۰ (اواخر پارتی تا اوایل ساسانی) ، ۵۰ ± ۶۵۰ میلادی اواخر ساســـانی تا اوایل اسلامی می داند ((Ghanimati, ۲۰۰۱:۶۲. طی بررســـی که در سال ۱۳۸۶ در منطقه سیستان در کوه خواجه توسط مهرآفرین و موســـوی حاجی صـــورت گرفت؛ تعداد هفـــده محوطه مربوط به دوره تاریخی (ســـده ســـوم قبل از میلاد تا قبل از پایان دوره ساســـانی) و اسلامی (سده شش تا نه هجری قمری) در ســـطح و دامنه آن شناســـایی گردید. مهمترین محوطههای شناخته شده عبارتند از: کاخ کوه خواجه (کاخ کاخا، قلعه کافرون، قلعه رستم و قهقهه شهر=گاگا شهر)، قلعه کک، قلعه چهل دختـــران، آرامگاه خواجه غلطان، پیر گندم بریان و آرامگاهها و مقابر مختلف (Mehrafrin and et al, ۲۰۱۱: ۴۵).

قبـــور و آرامگاههای کـــوه خواجـــه از منظر خاورشناسان و سیاحان غربی:

بیشتر ســیاحان و ماموران مقسّــم اروپایی مرز ایران و افغانســتان ازآثار باســتانی سیســتان دیدن نموده و به توصیف آنهــا پرداختهاند. یکی از مکانهــای جالب برای اینان، کوه خواجه و آثارش بوده است. در این بخش سعی میگردد تا قبور و آرامگاههای کوه خواجه از منظر آنان که در آن زمان سالمتر از حال بوده، بیان گردد.

سرپرسی سایکس انگلیســی در این زمینه می نویسد: قسمت اعظم ســطح قله را باقی ماندهی هزاران قبر که گنبدهای گلی دارند؛ اشغال کرده است. تمام قبرها بالاتر از سطح زمین قرار دارند. خواجه یا مرد مقدس که نام خود را بعد از نام رســتم به این کوه داده به نــام غلطان نامیده میشد و مقبره کوچکی به نام او در کوه وجود دارد. خرابه-های بنای کوچک دیگری به نام زیارت پیرگندم نیز وجود دارد که در ایام نوروز، هر ســال مقداری گندم بریان روی مقبرهی آن پاشیده میشــود تا محصول آن سال فراوان شود. در جشنهای نوروز ضمناً مســابقاتی در آن جا انجام میشود و مراسم سنگ گزاری صورت میگیرد (سایکس، ۱۳۷۸: ۴۶۵- ۴۶۴).

کلنل ســر چارلز ادوارد ییت دربارهٔ قبور و آرامگاههای کوه خواجه مینویسد: بالای تپه اصلاً هموار نبود و پستی و بلندیهای زیادی به چشم میخورد. در این جا به طور کلی اثری از بنا یا استحکامات قدیمی دیده نمیشود؛ فقط چند قبر که تا ۹۰ سانتیمتر از ســطح زمین بالا آمده و از سنگ و خاک ساخته شده، آنها را پوشانده است. این قبرها یکی بعد از دیگری در یک ردیف قرار گرفته بودند.
بیشتر آنها از انتها شکافته و باز شده بودند و حفرهی داخل آنها قابل رویت بود (شــکل۲). اســتخوانهای مردهها در حالی که لایهای از خاک آنها را پوشانده بود، دیده میشد و فضایی تقریباً به اندازهی سی ســانتیمتر بین استخوانها و سقف گور قرار داشت.
در این مناطــق تا آن زمان ندیده بودم کــه مردهای را در سطوح بالاتر از زمین دفن کنند. ســنگهای قبرها به طور منظم قرار گرفتــه و تکههایی از پارچه نیــز در داخل آنها دیده میشد که این خود نشــان میداد که این قبور نمی-توانسته متعلق به زمانی بسیار دور باشد.
یکــی از راهنماهای ما میگفت که تعــدادی از مردان پیر ناحیه اعتقاد دارند که زمانی در پایین این تپه و در قسمت جنوب غربی آن قبرهایی وجود داشــته که بعد از شکافتن آنها مقداری لباس، گردنبند، زینت آلات، ســکه یا اسحله که همراه مردگان دفن شده بود، بدســت میآمد. من کلاً نتوانستم نوشــته یا اثری که بیانگر تاریخ بنای این قبرها باشد پیدا کنم (ییت، ۱۳۶۵: ۸۲-۸۱).



شکل۲-قبور کوه خواجه

با توجه بــه این که در کوه خواجه آثار قابــل توجهی از دوره اشکانی بدســت آمده، محتمل اســت که از این دوره قبوری در کوه خواجه شناسایی شــود. شــاید قبور مورد بحث افراد بومی، به این دوره تعلق داشــته باشد. زیرا بعید بنظر میرسد که مسلمین در تدفین مردگانشــان از اشیایی مانند آنچه بیان گردید؛ استفاده کرده باشند.

کلنل ســرآرتور مک ماهــون یکــی از نامدارترین صاحب منصبان انگلیســی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم میلادی است. وی در مقاله خود با عنوان نقشه برداری و اکتشافات جدید در سیســتان درباره قبور کوه خواجه می-نویسد: مقبرههای بســیار زیادی در بالای کوه وجود دارد که از سنگ ســاخته شــده و دارای یک حفره برای قرار گرفتن جســد و روزنهای در انتها و طرفین آن میباشــد. تمامی این قبور خالی است و این موضوع معمای عجیبی برای سیاحان و بازدیدکنندگان محسوب میشود. به نظر من این قبور، آرامگاه موقت بودهاند که اجســاد را تا زمانی معین در آنها قرار می-دادند تا روزی بتوانند دوباره اجســاد را به آرامگاه دائمی مانند مشــهد مقدس یا اماکن مشــابه انتقال دهند (مک ماهون، ۱۳۷۸: ۳۷۳). صدها قبر موجود بر روی کوه خواجه نمیتوانسته برای چنین منظوری ساخته شده باشــد. تخلیه برخی از قبور و ایجاد ســوراخ در آنها باید کار حیوانات گوشتخوار کوچکی مانند راسو، روباه، شــغال و یا گورکن باشد که حتی هنگام روز نیز در حال پرسه زدن در بین این قبور میباشند.

هنری ســاوج لندور عضو انجمن سلطنتی جغرافیا و موسس دانشگاه علوم باستان شناســی و نژاد شناسی پاریس به مدت سه هفته در ســال ۱۹۰۲ میلادی در سیستان اقامت داشت و مشاهدات، مطالعات و بررســیهای خود را از سیستان در جلد دوم کتاب در ســرزمینهای محسود به چاپ رســانید. او در این کتاب به شــرح مفصلی از کوه خواجه پرداخته و قبور آن را مورد بررسی قرار داده اســت . وی عقیده دارد که این قبور از سنگهای بزرگ ساخته گردیده و داخل آنها به چهار قسمت

تقسیم شده که در هرقسمت یک اسکلت قرار داشته و روی آنها با قطعات بزرگ سنگ پوشیده شده است . وی خرابه-های بالای کوه خواجه را غسالخانه توصیف کرده که دارای گنبدهای بزرگی میباشند که بخشی از گنبد یکی از آنها که در شمال قرار داشته، فرو ریخته و غسالخانه بعدی دارای گنبد سالمی بوده است. وی همچنین از قبوری صحبت می-نماید که یکی از آن ها یک مقبرهی سنگی ۳۸ قسمتی بود که همه قسمتهای آن اشغال و تعداد زیادی سنگ بزرگ بر روی آن انباشته شده بود. یک ستون سنگی در داخل این توده محکم شده بود و از سایر سنگها بالاتر قرار داشت. روی سنگها هیچ نوع نوشته یا نقش و نگار و یا تزئینی وجود نداشته است. وی زیارتگاه کوه خواجه را یک ساختمان مستطیل شکل توصیف کرده که تمام قسمتهای آن با گل روکش شده بود و در روی آن یک طاق قوسی شکل و درب کوچکی قرار داشته است (لندور،۱۳۷۸ : ۶۶۶-۶۷۹).

در توضیح مطالب ساوج لندور باید متذکر گردید که ابنیه بزرگ گنبددار کوه خواجه با توجه به معماری شکیل آن ها و همچنین وجود گور در داخلشان نمیتوانسته به عنوان غسالخانه مورد استفاده قرار گرفته باشند.

آرامگاههای کوه خواجه:

هم اکنون در سطح کوه خواجه شش آرامگاه قرار دارد. با توجه به میزان تخریب، میتوان آنها را به دو دسته تقسیم نمود. چنانکه دستهای از آنها سالم و دستهی دیگر تا حدود زیادی تخریب گردیدهاند. آرامگاههای سالم عبارتند از:

زیارت پیر گندم بریان (شکل۳).

ابعاد خارجی این بنا ۶×۱۱ متر و مصالح آن از خشت و سنگ است (بنی جمالی،۱۳۸۷ :۱۱۹). بنا دارای دو ایوان در جبهه شمالی و جنوبی است و ورودی آن در جبهه جنوبی قرار دارد. در جبهه شمالی یک درگاهی کم ارتفاع تعبیه گردیده که هم اکنون به وسیله قطعات سنگ بسته شده است. این بنا در چند سال گذشته بطور کامل مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. سقف گنبدی شکل زیارت بر روی چهار گوشواره که در چهار کنج آن قرار گرفته، ساخته شده است. بنای مذکور از چهار طرف دارای نورگیرهای هلالی شکل میباشد. نورگیرها در جبههی شمالی و جنوبی و در بالای درگاهها قرار دارند. ابعاد داخلی زیارت پیر گندم بریان ۹×۴ متر است (همان، ۱۱۹).

هنگام ورود به بنا از سمت جنوب، دو پلهی آجری و یک سکو در سمت شرق آن قرار دارد. در مقابل پلهها، یک سکوی دیگر قرار گرفته که بلندترین سطح بنا را تشکیل میدهد. این سکو قبر پیر گندم بریان است. این قبر با خشت و آجر پوشیده شده و فاقد نوشته یا نقش میباشد و از سویی، بسیار آسیب دیده است. درست در بالای سر قبر، درگاه ایوان شمالی واقع گردیده که با لاشه سنگ مسدود شده است. ابعاد آجرهای بکار رفته در این بنا ۲۰×۲۰×۵ سانتیمتر می-باشد. گاهنگاری این مکان با توجه به مواد فرهنگی که از بررسی باستانشناسی فاز ۱ سیستان بدست آمده؛ مربوط به دوره اسلامی است (موسوی حاجی و مهرآفرین،۱۳۸۶: جلد۸).



شکل۳- مقبره پیر گندم بریان

گندم بریان میریزند. همچنین در این محل سنگی است که به آن سنگ شیطان میگویند و هر زائری قلوه سنگی هم بسوی این سنگ پرتاب میکند. اینجا مکانی پاک است و ناپاک نباید روی این کوه برود. چنانکه میگویند پیرزنی جادوگر به این کوه رفت و گاو و گوسالهاش را هم برد و چون خداپرست نبود، خدا او را به سنگ مبدل کرد (سندگل و سرابندی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

در ۱۴۰ متری جنوب مقبره خواجه مهدی بنایی قرار دارد که امروزه مردم از آن برای استراحت استفاده میکنند. مصالح بنا از خشت خام، آجر و ملات گل میباشد. این بنا نیز در چند سال گذشته کاملاً مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته است. بنای مذکور دارای چهار درگاه در چهار جهت اصلی است و احتمالاً ورودیهای اصلی آن در دو جبهه شمالی و جنوبی قرار داشته است. بنا در این دو جبهه دارای فضایی ایوان مانند و در جبهههای شرقی و غربی دارای دو طاقچه با طاق جناغی است. در بالای درگاهها نورگیرهایی تعبیه شده است. هم اکنون فقط درگاه جنوبی باز است و بقیه درگاهها مسدود می-باشند.

در سمت شرق ایوان جنوبی یک سکو و در ورودی آن یک پله قرار دارد. سطح بنا به اندازه همان پله بلندتر از کف قسمت ورودی است. در داخل بنا آثاری از قبر مشاهده نمیشود. سقف بنا گنبدی و از داخل بوسیله فیلپوشهایی که حالت

تاقچه مانند دارند، ساخته شده است.



آرامگاه شماره ۲: (شکل٤).

در جبهه غربی و شـــرقی بنا، چهار عدد تاقنما مشاهده میشود که در بیـــن دو تاق نمای بالای دیوار، نورگیرهای مســـتطیل شـــکلی به اندازه خشـــتهای به کار رفته در بنا و به تعداد شش عدد وجـــود دارد. در جبهه جنوب غربی آرامـــگاه یک راه پله تعبیه گردیده که از طریق آن میتوان به پشت بام راه یافت. این بناها با توجه به مواد فرهنگی پیرامـــون آن مربوط به دورهی اسلامی میباشند.

مقبره خواجـــه غلطان بر بلندترین قســـمت کوه و در بخش شمالشـــرقی آن قرار دارد. مقبره بنایی است که با خشت و گل ساخته شـــده و دارای یک ایوان بلند است. بخش ورودی آن دارای یک تاق قوسی شکل است که درب چوبی کوچکی در آن کار گذاشتهاند. ســـقف طاقدار آرامگاه که با گچ اندود شده در چهار جهـــت دارای نورگیرهایی با طاق ضربی اســـت. قبر خواجه به طول هفت متر اســـت که بر روی آن پارچه سبزی کشیدهاند. در اطراف آرامگاه سکوهای سیمانی برای اطراق زوار و یک ســـکوی قربانی وجود دارد. زیارت خواجه غلتان به علت تقدسی که نزد مردم منطقه دارد؛ هر روز پذیرای تعدادی زائر از روستاهای اطراف میباشـــد، که موجب گردیده اطراف زیارتگاه مملو از نخاله و مواد زاید باشـــد. این مســـاله موجب آسیب دیدن هر چه بیشتر قبور و آرامگاههای تخریب شده بر بالای کوه خواجه میگردد.



آرامگاه خواجه غلطان: (شکل ۵)



شکل٦. گور خواجه مهدی

آرامگاههای تخریب شده در کوه خواجه:

ســـه بنا در اطراف مقبره پیر گندم بریان و یک بنا در شـــرق آرامگاه خواجه غلتان قرار دارد که مشـــرف به دشت و دریاچه هامون میباشند.

تمام این بناها از خشـــت و گل و آجر و ســـنگ ساخته شده و با توجه به شواهد موجود، دارای ســـقف گنبدی و ورودیهایی در جبهه شـــمالی و جنوبی بودهاند. بنایی که در شرق آرامگاه خواجه قـــرار دارد، ارتفاع پی آن تا ۵۰ ســـانتیمتری از قطعات سنگ و ملات گل ساخته شده است. میزان تخریب این دسته از بناها بسیار زیاد است و تا کنون هیچ برنامهای برای حفاری و مرمت آن ها پیش بینی نشده است.

ساختار قبور در کوه خواجه:

کلیهی قبور شناسایی شـــده در کوه خواجه بر روی بلندترین قســـمت کوه و در اطراف آرامگاهها، پشـــت قلعهی کافرون، دامنه شـــمالی قلعهی کک کهزاد و اطراف قلعه چهل دختران در سطح وسیعی پراکنده شـــدهاند. در این مقاله سعی گردیده تا قبور اطراف آرامگاه خواجه مهدی مورد بررسی قرار گیرند. قبور کوه خواجه از نظر شکلشناســـی به سه دسته تقسیم می-شوند:

پشتههای سنگی نامنظم: (شکل۷)

این دســـته از گورهای کوه خواجه در سمت شرق و جنوب شـــرق آرامگاه خواجه غلطان و بر ســـطح صخرهای کوه به شکل بیضی و چهارگوش ایجاد شـــدهاند. گورهای مذکور از سنگهای لاشهای و تخت به شکل پشتههای سنگی و کاملا نامنظم ایجاد شدهاند.

چنین گورهایی در منطقهی جنوب شرق ایران فراوان است که میتوان به گورستان عباس آباد، تپه گبرها در روستای پارسان، گورستان گبرها در سر باغ، آسیاب اســـتاد، خیرآباد، لاله زار و محمودآباد در بردسیر اشاره کرد (خســـرو زاده و عالی، ۱۳۸۴ ب:۱۶۲).



شکل۷. پشتههای سنگی نامنظم

بیشتر این قبور مورد دستبرد قرار گرفته و تقریباً تخریب شدهاند. نحوه ساخت این گورها به این شکل است که با تخته سنگهای دامنه کوه فضایی چهارگوش یا بیضی ایجاد میکردند و سپس جسد را در این فضا قرار میدادند. پس از آن روی گور را با تخته سنگهای کوچک و بزرگ به شکل پشتهای میپوشاندند. نمونه دیگری از این قبور در گورستان دَمبی کهنانی در شهرستان سراوان بدست آمده که از لاشه سنگ ساخته شده است (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۸۹ :۶۳). البته باید اشاره کرد که گورهای دمبی در منطقه بلوچستان از لحاظ ابعاد با قبور پشته سنگی کوه خواجه تفاوت دارد.

گورهای سنگ چین منظم: (شکل۸)

این قبور در سمت غرب و جنوب غرب آرامگاه خواجه غلطان و در اطراف بنایی که در ۱۴۰ متری آرامگاه خواجه مهدی قرار دارد، دیده میشوند. قبور فوق نیز بر سطح صخرهای و خاکی کوه ایجاد شده و به صورت گورهای سنگچین با ملات گل هستند. این قبور در حدود ۵۰ – ۶۰ سانتیمتر از سطح زمین ارتفاع داشته و چندین گور به شکل منظم در کنار هم قرار دارند. سقف قبور، قوسی شکل بوده و ابتدا دیواره گور و سقف آنرا ایجاد و سپس دهانه گشادی در انتها برای



شکل۸. گورهای سنگچین منظم

گذاشتن اجساد باز میگذاشتند. پس از قرار دادن جسد درون قبر، دهانه را با سنگ میبستند. نمونهی گورهای سنگچین در چابهار هم شناسایی شده که دارای یکی از مهم ترین گورستانهای تاریخی ایران است. این گورها در بخش دشتیاری، دهستان باهوکلات قرار دارد و به گورستان دَمبِ کوه معروف است (شیرازی، ۱۳۸۱ :۷-۱۶؛ ۱۹۳۶:۷۶ ,.stein). قبور سنگچین منظم کوه خواجه مورد دستبرد قرار گرفته و به میزان بسیار بالایی تخریب شده است.



گورهای خشتی: (شکل۹)

این دسته از گورها با فاصله اندکی بین قبور سنگچین منظم قرار دارند. گورهای مذکور از خشتهای چهارگوش و ملات گل ساخته شده و سقف آن ها به صورت جناغی است. سطح خارجی قبور را با ملاط گل پوشاندهاند. قبور سنگ چین از لحاظ ساختاری شباهت زیادی به قبور امروزی سیستان دارند که در ابتدا بر روی سطح زمین اتاقکی با تاق جناغی ایجاد و یک دهانه در انتهای آن برای گذاشتن جسد باز میگذارند. سپس با قراردادن جسد در داخل اتاقک، دهانهی گور را با خشت و گل میبندند. به این نوع قبور در زبان محلی سیستان تیرگ (Tirg) گفته میشود. تیت معتقد است این سبک تدفین که مردگان را بالاتر از سطح زمین دفن میکردهاند، سنتی بوده است که زمانی در سیستان وجود داشته و اخیراً فراموش شده است. این سنت احتمالاً اثری باقی مانده از دین زرتشت میباشد (تیت،۱۳۶۲ :۱۷۸).

نتیجه گیری:

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که کوه خواجه با توجه به اهمیت آن، چه از لحاظ این که تنها پشتهی بلند دشت سیستان محسوب میگردد و چه به لحاظ مذهبی و آیینی که بدان اشاره شد؛ در دورههای مختلف محل اسکان و تدفین گروهی از مردم سیستان

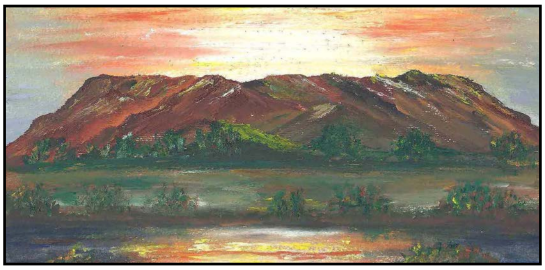
بوده اســـت. این مســـئله همراه با از بین رفتن آثار داخل قبور و نیز عدم حفاری باستانشناسی و پژوهشهای علمی موجب گردیده تا نتـــوان به طور قطع و یقیـــن در باره آن ها، به خصوص گاهنگاری قبور و آرامگاهها به طور قاطع اظهارنظر نمود. آن چه مســـلم اســـت اینکه آرامگاهها به دورهی اســـلامی تعلق دارند و هر یک با نامی محلی و به دلیلی مقدس شمرده میشوند.

مساله قبور، نســـبت به آرامگاهها کاملاً متفاوت است، چرا که تنها از روی ریختشناســـی تدفین و معماری آن ها میتوان درباره زمان استفاده و ایجاد آن ها حدس هایی زد. به نظر میرسد قبور سنگی و چینهای از همان نوع قبوری باشـــند که در منطقه جنوب و جنوب شرق ایران سابقهی دیرینهای دارد.

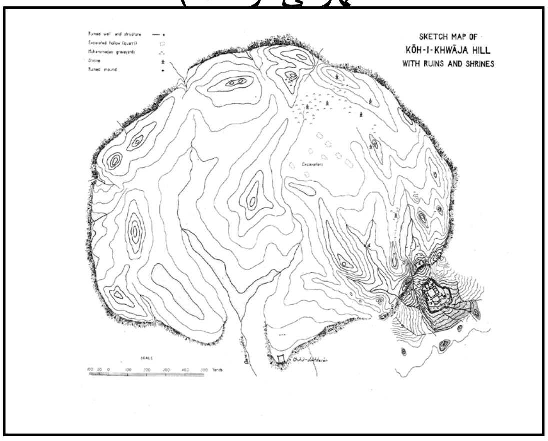
دادههای ســـفالین بدســـت آمده از درون قبور به خوبی معرف تدفین اشـــکانی در این منطقه است. نمونههایی از چنین قبوری به خصوص در چابهار و در گورســـتان دَمبِ کوه دیده میشود. بهنظر میرسد قبور خشتی مربوط به دوره اســـلامی باشـــد که در حال حاضر چنین قبوری با همین ویژگیها در منطقهی سیستان مورد استفاده قرار میگیرد.

مواد سطحی گردآوری شده مانند سفال از اطراف قبور و آرامگاهها، مربوط به دورهی اسلامی است.

اما از آنجا که این دادهها ســـطحی میباشد و از داخل قبور آثار فرهنگی بدســـت نیامده، به درستی نمیتوان ارتباطی بین تدفین و دادههای سطحی ایجاد نمود. از سوی دیگر با توجه به این که آخرین دورهی اســـتقراری کوه خواجه، یک استقرار اسلامی است؛ دادههای سطحی طبیعتاً باید مربوط به این دوره باشد. با این حال، احتمال اشکانی بودن برخی قبور، مانند قبور دسته اول دور از انتظار نخواهد بود.



شکل ۱- نمایی از کوه خواجه (ترسیم: مرجان شهرکی فرخنده)



توپوگرافی کوه خواجه (M.A.Stein)

منابع:

بنی جمالی س . لیلا، گاهنگاری نسبی محوطههای کوه خواجه بر اساس سفالهای ســطحی، پایاننامه دورهی کارشناسی ارشد باستان- شناسی، زاهدان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷.

تیت جی. پی، سیستان(تاریخ حدود و ثغور جغرافیایی، آثار باستانی و ....)،به اهتمام غلامعلی رئیســالذاکرین، چاپ اول، زاهدان، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، ۱۳۶۲.

خسروزاده، علیرضا و عالی، ابوالفضل (۱۳۸۴ب)، گزارش توصیفی فصل دوم بررســی و شناسایی شهرستان بردسیر ، گزارشهای باستان شناسی ۴: ۱۵۹-۱۷۶

سایکس، س، خاطرات ســفر چهارم به ایران، جغرافیای تاریخی سیستان(سفر با ســفرنامهها)، ترجمه از حسن احمدی،چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.

سندگل، کبری، سرابندی، امینالله، ۱۳۸۶،نوروز در نیمروز، مشهد، پاژ

سید سجادی س. م، راهنمای مختصر آثار باستانی سیستان، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۲.

سید سجادی س. م، گزارشهای شهر سوخته(کاوش در گورستان ۱۳۷۶-۱۳۷۹)، تهران، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۶.

شیرازی، روح الله(۱۳۸۱ب)، بررسی باستان شناسی چابهار و جاسک، پژوهشکده باستان شناسی، تهران.

لندوره . س، در ســرزمینهای محســود،جلد دوم، جغرافیای تاریخی سیستان(سفر با ســفرنامهها)، ترجمه از حســن احمدی، چاپ اول، تهران،۱۳۷۸.

مرادی، حسین و سرحدی دادیان، حســین(۱۳۸۹)، گزارش مقدماتی بررسی باستان شناختی شهرســتان سراوان، جلد۱: بخش مرکزی، پژوهشکده باستان شناسی کشور.

مک ماهون س . آ . ه ، نقشه برداری و اکتشافات جدید در سیستان، جغرافیای تاریخی سیستان(سفر با سفرنامهها)، ترجمه حسن احمدی، چاپ اول، تهران،۱۳۷۸.

موسوی س . م ، یادمانهای خشتی کوه خواجه و خلاصهای از نتایج مطالعات و کاوشهای انجام شده در آن، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم-کرمان، جلد۴، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.

موسوی حاجی، سید رسول، مهرآفرین، رضا، جســتاری در جغرافیای تاریخی سیستان (از آغاز تا سده نهم ه . ق)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان با همکاری اداره برنامه ریزی نشر مرکز امور فرهنگی و اجتماعی سازمان، زاهدان، ۱۳۸۸.

مهرآفرین،رضا، بر چکاد اوشیدا، انتشارات دریافت، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

ییت چ . ا ،سفرنامه خراسان و سیستان،ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران، انتشارات یزدان،۱۳۶۵.

۱۵. Ghanimati,S, Kuh-e Khwaja:A major Zoroastrin Temple Complex In Sistan ,A Dissertation Submitted in Partial Satisfaction Of The Requirements For the Degree Of Philosophy in Near Eastern Studies,University Of California,Berkeley,۲۰۰۱.

۱۶. Gullini,G., Architetura Iranica Dagli Archemenidi ai Sasanidi,ilpalazzo Di kuh-I khawagio. Einaudi,Turin,۱۹۶۴.

۱۷. Kawami,T., Kuh-e Khwaja Iran, and its Wall Paintings: The Records Of Ernest Herzfeld, Metropolitan Museum Journal, vol۲۲,۱۹۸۷.

۱۸. Mehr Afarin,Reza,Mousavi Haji,Seyyed Rasoul,Bani Jamali,Seyyedeh Leila, Archaeology Survey of Kooh-e Khajeh in Sistan , Humanities(۲۰۱۱), vol.۱۸(۱):(۴۳-۶۳).